

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه
(فهم تعامل ارامنه و نهاد قدرت در ایران دوره افشاریه و زندیه
از منظر نظریه ساخت‌یابی) ۱۱۳۵-۱۱۹۰ ه.ق. / ۱۷۲۵-۱۷۸۵ م.

سید علی مزینانی^{۱*}، سید هاشم آقاجری^۲، عباس منوچهری^۳، الهه کولایی^۴

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۵)

چکیده

دوران حدود شصت ساله حاکمیت سلسله‌های افشاریه و زندیه بر ایران سال‌های مهمی برای سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی بوده، اما با وجود این تا حد زیادی مورد غفلت واقع شده است. فهم‌گردشی که در گرایش سیاسی این مردم از سمت ایران به روسیه رخ داد و البته واجد پستی بلندی‌های بسیاری بود با اتخاذ یک چشم‌انداز محدود به حوادث روزمره ممکن نیست. هر بررسی در این حوزه باید خود را متعهد به لحاظ کردن خصایص نهاد سیاست در نظام اجتماعی ایرانیان ارمنی و هم‌زمان قرار دادن آن در متنی از زمان جهانی بداند. این بررسی با بهره بردن از اسناد کمتر دیده شده و مکاتبات محلی و بین‌المللی ایرانیان ارمنی نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی از پی تلاقی خصایص نهاد سیاست در آن جامعه با جهان‌گیر شدن اقتصاد سرمایه‌داری اولیه در کنار استقرار جهانی نظام دولت‌های مطلقه دچار تغییراتی جدی گردید.

کلید واژگان: ایرانیان ارمنی، ایران، روسیه، سرمایه‌داری اولیه، دولت مطلقه

a.mazinani@modares.ac.ir

h_aghajari@yahoo.com

amanoocheri@yahoo.com

ekolae@ut.ac.ir

۱. دکتری تاریخ گرایش ایران اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس،

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس،

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس،

۴. استاد گروه مطالعات منطقه ای، دانشگاه تهران،

۱. مقدمه

در تاریخ طولانی تحولات جامعه ایرانیان ارمنی سال‌های ۱۱۳۵-۱۱۹۰ ه.ق. / ۱۷۲۵-۱۷۸۵ م. با گردشی بنیادی از سمت ایران به روسیه و دیگر دولت‌های مطلقه، دوران برجسته و متمایزی است. بیشتر مطالعات تاریخی مربوط به تاریخ معاصر ایرانیان ارمنی، که به زبان‌های فارسی و انگلیسی در دسترس است، یا تنها تا پیش از این دوره را پوشش داده‌اند، یا کار خود را پس از این دوره آغاز نموده‌اند. واهان بایبوردیان، اینا باغدیانتر مکابی^۱ و وازگن غوکاسیان^۲ جزء گروه اول محققان هستند، جرج برونوتیان^۳، لوئیس نعلبندیان^۴ را می‌توان جزء گروه دوم به حساب آورد. تنها در «تاریخ جلفا» از هوهانس ترهوهانیان و «ارمنیان هند» اثر مسروپ سیث^۵ گوشه‌هایی قابل توجه به برهه پیش‌گفته اختصاص داده شده است. این در حالی است که منابع موجود به زبان‌های غیرارمنی در مورد این برهه کم نیستند. اسناد کلیسای وانک، اسناد فارسی ماتناداران، سال‌شمار فرقه کارملیت‌های ایران، خود-زندگی‌نامه نوشت هوسپ امین، اسناد مکاتبات ارامنه و روسیه، تاریخ آبراهام ایراوانی، تاریخ آبراهام کرتاتسی، تاریخ سیمون ایروانی (جامبر) و... تنها فهرست کوتاهی از منابع دست اول دقیقاً مرتبط با دوره تاریخی مورد نظر این بررسی را تشکیل می‌دهند.

با وجود چنین کیفیتی برای تحقیقات تاریخی نمی‌توان به ادبیات پژوهش خاصی در مورد این برهه ارجاع داد و روش‌شناسی حاکم بر بررسی حاضر را در مقایسه با آن‌ها به داوری نشست. این نوشتار با اتکاء به نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز^۶، جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، کوشیده فهمی همه‌جانبه از چرخش اساسی پیش‌گفته ترسیم کند. گیدنز در عوض ابزار تولید، ناخودآگاه، ارزش و... همه چیز را از زمان-مکان شروع می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۶۳). چنین نقطه عزیمتی این امکان را برای نظریه ساخت‌یابی فراهم می‌کند که از دوگانگی‌های مرسوم در جامعه‌شناسی چون کنشگر/ ساختار، منابع مادی/ منابع فرهنگی، محلی/ جهانی

-
1. Ina Baghdiantz McCabe
 2. Vazken Sarkis Ghougassian
 3. George A. Bournoutian
 4. Louise Nalbandian
 5. Merovb Seth
 6. Anthony Giddens

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

(همان، ۱۹۸۴: ۲) با اتکاء بر منطقی دیالکتیک فراتر رود (همان، ۱۳۸۵: ۶۳). بر این مبنا در نظریه ساخت‌یابی این افراد هستند که در تعامل اجتماعی خود ساختار (متشکل از منابع تخصیصی و منابع اقتداری^۱) را شکل می‌دهند و متقابلاً در هر تعامل اجتماعی خود از ساختار شکل می‌پذیرند (همان، ۷۴). این رابطه متقابل فرد و ساختار در نظریه ساخت‌یابی از یک جامعه‌شناسی تاریخی اختصاصی نیز برخوردار است. در این جامعه‌شناسی تاریخی گیدنز قائل به سه نوع جامعه بشری قبایلی، منقسم به طبقات و طبقاتی (همان، ۱۹۸۴: ۱۸۳) در کنار چهار برهه اصلی در تاریخ جهانی بشر در قالب مفهوم زمان جهانی است که به ترتیب شامل نظام‌های پیشاتاریخی و گسسته، نظام‌های امپراتوری، نظام جهانی سرمایه‌داری اولیه، اقتصاد سرمایه‌داری معاصر است (جری^۲ و یوری^۳، ۱۹۹۱: ۱۲۹). مشخصاً هر مطالعه ساخت‌یابانه در این متن باید در جایگاه جامعه‌شناسی تاریخی قرار داشته باشد.

مولفان نوشتار پیش‌رو، قبلاً، در جای دیگری^۴ منابع اقتداری و منابع تخصیصی جاری در نظام اجتماعی ایرانیان ارمنی را با توجه به تعریف این منابع در نظریه گیدنز شناسایی کرده‌اند، بر این اساس امر قدسی، ترجمه، تفسیر و چاپ، قانون‌گذاری، واسطه‌گی و دیپلماسی، کارگزاری و در نهایت کلونی معرف منابع اقتداری خواهند بود. در سوی دیگر پول، وقف، تجارت، مالکیت ارضی و در نهایت نیروی مسلح ناظر بر منابع تخصیصی است. پس از اتکا بر تقسیم بندی فوق، این پژوهش نهاد سیاست در جامعه ایرانیان ارمنی روزگار افشاریه و زندیه را وجه تمرکز خود قرار داده و می‌کوشد روشن نماید که نخبگان این جامعه (تجار، روحانیون، ملیک‌های قره‌باغ) در تصمیمات و اقدامات سیاسی خود از چه منابعی ساختاری برخوردار بوده‌اند و متقابلاً چگونه موجب تحول نهاد سیاست در این برهه ۷۰ ساله شده‌اند. هم‌زمان در

۱. منابع تخصیصی شامل ۱- خصایص مادی محیط (مواد خام، منابع قدرت مادی)، ۲- ابزار تولید و بازتولید مادی (ابزار تولید، فناوری)، ۳- کالاهای تولیدشده (محصول تعامل مورد ۱ و ۲).

منابع اقتداری شامل ۱- سازمان زمان- فضای اجتماعی (مسیرهای زمانی- مکانی زندگی اجتماعی)، ۲- تولید و بازتولید بدن (سازمان و روابط نوع بشر در انجمن‌ها) ۳- سازمان فرصت‌های زندگی (ساخت فرصت‌های خود ابرازی و تشخیص‌یابی). رجوع به (گیدنز، ۱۹۸۴: ۲۵۸)

2. Jarry

3. Urry

۴. سید هاشم آقاجری و سید علی مزینانی، «سه مقطع تولید و بازتولید سیاست در نظام اجتماعی ارامنه قفقاز (۲۰۰۳-۲۰۳۰ م.)»، ۴۳۰-۱۲۲۰ م. / ۱۲۲۰-۱۵۰۱ م.»، *مطالعات اورآسیای مرکزی*، پذیرفته شده برای انتشار.

تمام مدت این تصمیمات و اقدامات سیاسی *زمان جهانی* (که در این بررسی مطابق با نظام جهانی سرمایه‌داری اولیه است) چه تأثیری بر اقدامات و سرنوشت سیاسی آن‌ها داشته است. به نظر می‌رسد آرامنه عادت داشته‌اند از طریق منابع اقتداری چون *امرقادسی*، ترجمه، تفسیر و *بایگانی*، واسطه‌گی و میانجی‌گری و *قانون‌گذاری* در کنار منابع تخصیصی خاصی چون *پول*، *وقف* و *تجارت* در درجه اول بقا و در درجه بعد حفظ ابتکار سیاسی خود را تضمین نمایند. دوره صفوی که مقارن بود با ورود تاریخ بشر به عصر سرمایه‌داری اولیه و تکوین دولت‌های مطلقه، منهای صد سال اول خود (۹۰۶-۱۰۰۶ ه.ق. / ۱۵۰۱-۱۶۰۱ م.) برای آرامنه تبدیل به دورانی از حرکت هر چه بیشتر به سمت منابع اقتداری و دستیابی به گونه‌های نوینی از این منابع چون ترجمه، تفسیر و چاپ، واسطه‌گی و *دیپلماسی*، *کارگزاری* و *کلونی* شد. بر همین اساس ملاحظه می‌کنیم که نیمه دوم قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم در تاریخ سیاسی ایرانیان ارمنی فصلی از رقابت موفقیت‌آمیز با کمپانی هندشرقی انگلیس و بعدتر هندشرقی هلند، تأسیس شرکت تجاری جلفا نو و عقد قرارداد با امیرنشین مسکووی و سدکردن مسیر نفوذ میسیونرهای کاتولیک با اتکاء به همین منابع اقتداری است. برای این نظام اجتماعی متکی بر منابع اقتداری و تخصیصی خاص که نفوذ خود در زمان-مکان را مدیون آن‌ها بود، انحطاط و سقوط دولت صفوی درست در قلب زمانه‌ای از اعتلای سرمایه‌داری اولیه و نظام دولت‌های مطلقه بدترین اتفاق ممکن بود. جامعه ایران به عرصه تاخت و تاز قبایل تبدیل شد و همه چیز به متنی از روابط قبایلی عقب نشست، در حالی که منابع اقتداری و تخصیصی نظام اجتماعی ایرانیان ارمنی مناسب چنین فضایی نبود و ضرورت‌ها/انتخاب‌های دیگری را ایجاد/طلب می‌کرد. در نهایت از دل این ضرورت‌ها نام روسیه در دهه ۱۲۴۰ ه.ق./۱۸۲۰ م. بیرون آمد. ایرانیان ارمنی در این مسیر حدود ۷۰ ساله ضرورتاً یک توده همگن و همسو نبودند و یک یا دو عامل کلیدی نیز تعیین‌کنندگی را بر عهده نداشتند. در ادامه این بررسی ابتدا از فروپاشی نظم قدیم سخن خواهد گفت و سپس به تشریح اقدامات و انتخاب‌های آرامنه در مواجهه با نظم جدید دولت مطلقه خواهد پرداخت.

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

۲. گفتار اول: فروپاشی ۱۱۳۵-۱۱۶۰ ه.ق. / ۱۷۲۵-۱۷۵۰ م.

امپراتور پتر اول (س. ۱۱۰۰-۱۱۳۵ ه.ق. / ۱۶۸۹-۱۷۲۵ م.) با هجوم غلجایی‌ها به اصفهان و انتشار خبر سقوط شهر، لشکرکشی قفقازی خود را که از سال‌ها پیش با مشاوره و پافشاری ملیک‌های قره‌باغ به نمایندگی اسرائیل اوری (ح. ۱۰۶۹-۱۱۲۲ ه.ق. / ۱۶۵۹-۱۷۱۱ م.) و ورداپت میناس (ح. ۱۰۶۸-۱۱۵۲/۱۶۵۸-۱۷۴۰ م.) نقشه آن را سبک سنگین می‌کرد یک سال جلوتر انداخت و در تابستان ۱۱۳۴ ه.ق. / ۱۷۲۲ م. دستور حرکت نیروها از آستاراخان به سمت دربند و رشت را صادر کرد (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۱۶۰). برخلاف انتظار روس‌گرایان قره‌باغ نه تنها روسیه اقدام به تصرف قفقاز نکرد، بلکه پس از رسیدن به توافقاتی با عثمانی و کسب اطمینان خاطر از نظر نداشتن سلطان به سواحل خزر به حضور گسترده خود در قفقاز پایان داده و مهاجرت به سواحل تصرف شده خزر را به عنوان تنها راه حل، پیش‌روی ارامنه قره‌باغ قرار داد (بورنوتیان، شماره سند ۱۱۵، ۲۰۰۱: ۱۱۰-۱۱۱). قره‌باغی‌ها از پذیرش هرگونه پیشنهاد مهاجرت طفره می‌رفتند و امیدوار بودند که با تأکید بر شمار نیروی مسلح خود بر تصمیم‌گیری روس‌ها تأثیر بگذارند، ناآگاه از آن‌که روس‌ها می‌دانستند این امتناع ناشی از تلاش ملیک‌ها برای حفظ تمام آن چیزی است که آن‌ها را ملیک نگه می‌داشت، خویشاوندان، دژها و مالکیت ارضی‌شان (همان، سند شماره ۱۳۹: ۱۵۲)، همچنین آن‌ها می‌دانستند که ۵۰۰۰ جنگجوی قره‌باغی به اندازه یک هنگ پیاده یا دراگون روس کارایی ندارد (همان، ۱۴۱-۱۴۰). این آگاهی نتیجه مستقیم رشد و ارتقای یکی از نخستین تیلورات دولت مطلقه یعنی دیپلماسی بود. نقطه اصلی تمایز دولت مطلقه از دولت‌های سنتی، سازمان‌یافتگی، نظارت و غیرشخصی‌سازی مضاعف بود. این سازمان‌یافتگی و نظارت مضاعف به روابط میان دولت‌های مطلقه نیز سرریز کرد و منجر به خلق پدیده نوینی به نام دیپلماسی شد. در روابط دیپلماتیک نظارت و پایش حرف اول را می‌زد، توازن قوا نقش «دست پنهان [ی]» را ایفا می‌کرد که همه طرف‌ها را از جهانی‌سازی نظامات مورد علاقه خود منع می‌نمود و در نهایت کل این مجموعه اساساً بر مبنای یک نظام مدون اطلاعاتی می‌توانست سرپا بایستد (گیدنز، ۱۹۸۵: ۸۸-۸۷). از خلال همین دیپلماسی روس‌ها برخلاف دوران صفوی بدون نیاز به میانجی‌گری قره‌باغی‌ها مخبر

ارمنی جذب می‌کردند (مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۷، شماره ۳۲: ۱۳۳-۱۳۲) و یا سفیر دائم در ایران مستقر می‌نمودند، چنان‌که آوراموف مأمور بود کوچک‌ترین تماس‌های تهماسب دوم (س. ۱۱۳۴-۱۱۴۴ ه.ق. / ۱۷۲۲-۱۷۳۲ م.) با عثمانی‌ها را زیر نظر بگیرد (همان، شماره ۳۶: ۱۴۸-۱۵۰).

هم‌زمانی تاج‌گذاری آنا ایوانوونا (س. ۱۱۴۲-۱۱۵۲ ه.ق. / ۱۷۳۰-۱۷۴۰ م.) با قدرت‌گیری نادرقلی افشار (س. ۱۱۴۸-۱۱۵۹ ه.ق. / ۱۷۳۶-۱۷۴۷ م.) هرگونه دسترسی ایرانیان ارمنی (در این مورد جناح قره‌باغ) به دیپلماسی را حتی بیش از پیش محدود و مشکل نمود. ملکه تازه بر تخت نشسته روسیه گویی هیچ غمی غیر از عقب‌نشینی از قفقاز نداشت؛ بنابراین با وجود آگاهی از شخصیت سست و ضعیف تهماسب دوم تزارین آنا حاضر بود قلمروی تصرف شده ایران تا آن سوی کورا را به «اعلی‌حضرت» بازگرداند (همان، شماره ۳۳: ۱۳۶). به شرط عقب‌نشینی عثمانی‌ها از اردبیل این تصمیم با انعقاد قرارداد رشت جامه عمل پوشید. در همین حین دستگاه دیپلماسی روسیه که دیگر بدون نیاز به شبکه‌های اطلاعاتی ارمنی حتی از مظنه الاغ و قاطر درجه یک و درجه دو در بازار تبریز نیز آگاهی داشت (بورنوتیان، سند شماره ۲۳۰، ۱۹۳: ۲۰۰۱)، قطع مقرری و تعدیل عاملان ارمنی را آغاز کرد (همان، سند شماره ۱۷۶: ۱۵۵). به زودی روشن شد این‌ها صرفاً اقدامات مقدماتی ملکه عجول برای بازگشت به «خط ترک» بوده‌اند. او خیلی زود باب مذاکره با نادرقلی، فرمان‌روای بلامنازع ایران را گشود و پس از آن‌که اطمینان یافت حکومت نادرشاه امکان هرگونه طمع عثمانی‌ها به سرزمین‌های شروان را منتفی ساخته (مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۷، شماره ۳۶: ۱۴۸-۱۵۰)، طی قرارداد گنجه به عقب‌نشینی نیروهای روس از شهرهای دربند و باکو و حواشی آن‌ها را رسمیت بخشید و این «مناطق ایرانی» را به سرزمین مادر بازگرداند (همان، شماره ۴۴: ۱۹۴-۱۹۵). با امضای قرارداد تو گویی همه نیروهای ارمنی و گرجی ناگهان به خلا ریخته شدند. دستور منحل شدن همه دسته‌جات مسلح ارمنی و گرجی و بازگشت ایشان به ایران فوراً صادر شد (بورنوتیان، سند شماره ۱۸۰، ۲۰۰۱: ۱۵۸-۱۵۷)، همچنین برای بازگشت تجار ارمنی ساکن قلعه «صلیب مقدس» به موطن خود ضرب‌الاجل تعیین شد (همان، سند شماره ۱۸۱: ۱۵۸). اگر سیل عرایض، توصیه‌نامه و عرض حال‌ها به دربار جریان نیافته بود و ملکه از گستره واقعی خدام

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

ارمنی دولت روسیه آگاهی نمی‌یافت (همان، سند شماره ۱۸۳ و ۱۸۸: ۱۶۰ و ۱۶۳)، طرح‌های ابلاغی بی‌تردید سرنوشت ناخوشایندی را برای آن‌ها رقم می‌زد.

برخلاف وحشت جناح روس‌گرای ارامنه قره‌باغ، استقرار حکومت نادر و بازگشت ثبات به کشور از سوی عموم ارامنه مورد استقبال قرار گرفت. ارامنه مهاجر به بغداد راه بازگشت را در پیش گرفتند (امین^۱، ۱۹۱۸: ۸) و ارامنه مهاجر به قارص برای بازگشت به ایران حتی منتظر پاسخ مثبت ابراهیم‌خان (برادر نادرشاه و حاکم آذربایجان) نماندند (بورنوتیان، سند شماره ۱۹۶، ۲۰۰۱: ۱۶۸). در میان ارامنه ایران نفحات حکومت کوتاه نادری بیشتر و بیشتر از همه نصیب اهالی اچمیادزین و ایروان شد. در این هنگام کاتولیکوس آبراهام کرتاتسی (۱۱۴۶-۱۱۴۹ ه.ق. / ۱۷۳۴-۱۷۳۷ م.) با مشکلات مختلف در زمینه وقف مواجه بود، چنان‌که همه دریافتی‌اش به مقدار ناچیزی محصولات کشاورزی، اعانه‌های زوار و قرض و دین‌های پی‌درپی که در ظاهر مبلغی حدود ۲۰ هزار قروش رسیده بود، محدود می‌شد (آبراهام از کرت^۲، ۱۹۹۸: ۲۷-۲۶). همه چیز با بازدید نادر از اچمیادزین و هم‌زمان حضور کاتولیکوس در شورای مغان دگرگون شد. در این شورا کاتولیکوس موفق شد با اتکاء به توان واسطه‌گی خود تقریباً در هر زمینه‌ای که ضروری می‌دید از نادر رقم و فرمان کسب نماید (همان: ۳۲). این عنایات به اچمیادزین محدود نماند. کمی بعدتر نادر در مراسم انتصاب پیرمحمدخان به حاکمیت ایروان به وی اخطار داد که ارامنه نباید از او شکایت داشته باشند، چرا که رعایای وفادار شاه بوده‌اند، بعد از خان همه کاره ولایت ایشان هستند و شاه آبادانی ولایت را بر عهده آن‌ها نهاده است (همان: ۹۴).

در آن سو تجار ارمنی نیز اراده جلدی داشتند تا قدم در همین مسیر هم‌گرایی با حکومت جدید بگذارند. آن‌ها حتی در فضای مشتتج فاصله سقوط صفوی تا قدرت‌گیری نادر با تغییر مسیر تجارت خود از شرق-غرب (ایران به شام) به شمال-جنوب (روسیه به ایران) هنوز تنها تاجرانی بودند که توان تأدیه برات‌های سنگین ۲ هزار یا ۵ هزار روبلی را داشتند (بورنوتیان، سند شماره ۲۳۳، ۲۰۰۱: ۱۹۵) و حتی خدمات پولی خود را به عنوان پشتوانه دریافت امتیاز به ملکه آنا پیشنهاد می‌دادند (ایبید، سند شماره ۱۹۴: ۱۶۷-۱۶۶)، اما بر خلاف انتظار تجار،

1. Emin
2. Abraham of Crete

هم‌سویی با حکومت نادرشاه احیای پول و تجارت و کارگزاری را به همراه نداشت. در حالی که دولت روسیه معافیت‌های پانزده ساله برای تجار مهاجر در نظر می‌گرفت (همان، سند شماره ۱۸۹:۱۶۳)، وعده‌های نادر برای کاهش مالیات جلفا محقق نمی‌شد (عریضه رعایای جلفا، ۱۱۴۵ ه.ق.، شماره ۱۱۱)، حواله‌جات بسیاری از طرف وابستگان دربار بر تجار تحمیل می‌شد (عریضه جماعت تجار جولاهه، ۱۱۵۲ ه.ق.، شماره ۱۳۳) و حتی بخش زیادی از کالاهایی که تجار ارمنی براساس حواله جات به دربار می‌رساندند توسط درباریان حیف و میل شده و مسئولیت آن به گردن تجار انداخته می‌شد (عریضه رعایای جولاهه، ۱۱۵۴ ه.ق.، شماره ۱۱۹). ستون دیگر سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی یعنی اسقفی جلفا، چنان دوران حکومت کوتاه غلجایی‌ها بر اصفهان (فرمان اشرف افغان، ۱۱۳۹ ه.ق.، شماره ۱۰۲؛ سالشمار کارملیت‌ها، جلد ۱، ۱۹۳۹:۶۱۱)، در دوران زود گذر ثبات نادرشاهی نیز پیش از هر چیز به دنبال به چالش کشیدن کاتولیک‌ها و فعالیت‌های تبشیری ایشان بود. دست اسقف آسدوازادور (۱۱۴۲-۱۱۵۷ ه.ق. / ۱۷۳۰-۱۷۴۵ م) برای مقابله با رفت و آمد نگران‌کننده کاتولیک‌ها (بورنوتیان، نسخه شماره ۲۲۷، ۱۹۱:۲۰۰۱) بسته بود. او تنها حجم محدودی موقوفات ارضی در اختیار داشت (عریضه خلیفه‌های و کشیش‌های جولاهه قدیم و جدید، ۱۱۴۷ ه.ق.، شماره ۱۰۳؛ عریضه مگردیچ خلیفه جولاهه، ۱۱۶۶ ه.ق. شماره ۱۲۶؛ ترهوهانیان، ۱۳۷۹:۴۸۱) و مهاجرت‌های بزرگ دوران اغتشاش در کنار مهیا بودن کلونی موجب شده بود وی در مورد امر قدسی، ترجمه، تفسیر و چاپ و قانون‌گذاری با محدودیت‌های جدی مواجه باشد. شرایط به حدی بحرانی بود که حتی جمعیت، به معنی داشتن نفوس تحت نظارت، به یک منبع اقتداری تبدیل کرده شده بود. جلفایی‌ها سعی داشتند با مهاجرت دادن جمعیت‌هایی از دیگر مناطق ارمنی‌نشین چون فریدن و لنجان منازل متروک جلفا را پر کنند (عریضه رعایای جولاهه، ۱۱۵۴ ه.ق.، شماره ۱۱۰) تا با دستور شاه برای اسکان این یا آن جمعیت مسلمان مواجه نشوند (عریضه ارامنه جولاهه قدیم و جدید، ۱۱۵۴ ه.ق.، شماره ۱۱۶). حتی در شکایات‌های بلاوقفه ارامنه از کاتولیک‌ها نزد دربار مدام به جمعیت ارجاع داده می‌شد. در شکایات اسقف آسدوازادور علیه کاتولیک‌ها معمولاً دو اتهام ثابت مدام مورد تأکید بودند، نخست کوچاندن رعایای شاه به دیگر

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

سرزمین‌ها و دوم، خارج کردن پول از کشور و سرمایه‌گذاری در دیگر ممالک (عریضه رعایای جولایه، ۱۱۵۴ ه.ق، شماره ۱۱۹). تنها در برهه حضور نادر در هند اسقف با اتکاء مکرر به واسطه‌گی پنج بار درخواست اخراج کاتولیک‌ها را به محضر ولیعهد رضاقلی میرزا برد. این سماجت که از دید کاتولیک‌ها یکی از دلایل صدور فرمان سلطنتی مبنی بر ترجمه کتب ادیان الهی به فارسی جهت داوری و استنباط شاهنشاه بود (سالشمار کارملیت‌ها، جلد ۱، ۱۹۳۹:۶۳۵-۶۳۲) عواقب دردناکی برای اسقف داشت. با این‌که در موعد تحویل ترجمه‌ها اسقف به چشم خود شمه‌ای از تغییر وخیم احوال نادرشاه را مشاهده کرد (همان: ۶۳۸-۶۳۶)، با این حال دست از عرضه شکایات مکرر برنداشت. در نهایت یکی از شکایات او در سال ۱۱۵۶ ه.ق. ۱۷۴۵ م، تبعات فجیعی برای جلفا به بار آورد. شاه با «دغل‌کار و نیرنگ‌باز» خواندن اسقف دستور داد ۵ هزار تومان بر عهده او گذاشته شود، گوش‌هایش بریده، موی سر و صورتش تراشیده و از اسقفی عزل شود (همان: ۶۲۴-۶۲۳). هم‌زمان جریمه‌ای معادل ۶۰۵۰۰ نادری بر ذمه خوجه‌های جلفا قرارداد شد (ترهوهانیان، ۱۳۷۹:۱۸۵-۱۸۶). چنان روزگار سقوط صفویان، آرامنه به سرعت راه کلونی‌ها را درپیش گرفتند. گستره این حرکت به حدی بود که برخی قافله‌داران و کاروانیان یک شبه به شهرت و ثروت می‌رسیدند (پیشین، ۱۳۷۹:۲۲۶-۲۲۷). انتشار خبر عزم شاه برای سفر دوباره به اصفهان شتاب هجوم به کلونی‌ها را چند برابر کرد، همه می‌کوشیدند به ویژه فرزندان خود را به بصره یا بغداد بفرستند. رفتار نادر نشان داد که انتخاب کلونی توسط آرامنه کاملاً درست بود. شاه از اصفهان ۳۰۰ هزار تومان نقد کرد که ۳۰ هزار تومان آن سهم جلفایی‌ها شد و برای تأدیه آن وقتی طلا و نقره و مس ته کشید ناچار از فروختن پسر بیچه‌ها به ۱۰ محمودی و دختر بیچه‌ها به ۵ محمودی شدند (سالشمار کارملیت‌ها، جلد ۱، ۱۹۳۹:۶۵۰-۶۴۹). پایان این نمایش وحشت نیز با زنده سوزاندن خوجه میناس و خوجه هاراتون در میدان شاه به اتهام اختلاس در یک محموله سلطنتی برنج رقم خورد (همان، ۶۵۱).

مرگ نادرشاه به معنی درغلتیدن دوباره کشور به قعر روابط قبایلی بود. این رخداد تبعاتی اساساً متفاوت برای جلفای تجارت پیشه دیپلمات و قره‌باغ زمین دار مسلح به همراه داشت. جلفایی‌ها ناچار بودند برای پرداختن ۸ هزار تومان مالیات به آزادخان افغان حتی مندیل‌ها و پارچه‌های زربفت را بسوزانند تا طلا و نقره آن‌ها را استحصال نمایند، اما هنوز از دست

آزادخان رها نشده باید ۶ هزار تومان مالیات فرمایشی حسن‌خان لر را تدبیر می نمودند (تر هوهانیان، ۱۳۷۹: ۲۱۷-۲۱۸). برعکس جلفایی‌ها، ملیک‌های قره‌باغ توانستند دوباره به همان دوران خوب سیاست‌ورزی براساس نیروی مسلح و مالکیت ارضی بازگردند. پناه‌خان جوانشیر، از خدام سابق نادرشاه، پس از بازگشت قبیله‌اش از کوچ اجباری خراسان شروع به تاخت و تاز در قره‌باغ کرده و خان‌نشینی مستقل برای خود علم نمود (جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۸۵). خیلی زود ملیک شاه نظر از واراند، با توجه به اختلافاتش با چهار ملیک دیگر قره‌باغ به این جنگ سالار تازه از راه رسیده ملحق شد. این دو در اتحاد با هم در جنگ رودخانه خاچن تلفات سختی بر نیروهای ملیک خاچن وارد آوردند (پیشین: ۸۸). در ادامه ملیک‌شاه نظر قیمتی‌ترین هدیه ممکن یعنی مکان قلعه شوشی را به مخدوم خود هدیه کرد؛ قطعه زمینی از سه جهت مشرف بر پرتگاه و برخوردار از منابع آب کافی (پیشین: ۹۳). جالب آن که برخی آرامنه ملهم از روشن‌گری و مفهوم دولت-ملت (هوسپ امین، آرتمی لازاریان و...) که در کلونی‌های روسیه و انگلستان ساکن بودند قره‌باغ را با همه این شرایط پیش قراول استقلال آرامنه می‌دانستند.

۳. گفتار دوم: جهانی از دولت‌های مطلقه ۱۱۶۰-۱۱۹۰ / ۱۷۵۰-۱۷۸۰

در اغتشاشات برخاسته از مرگ نادر هر جناحی می‌کوشید به نحوی امنیت و عافیت خود را تضمین کند. جلفا دیگر اساساً به سربار کلونی‌ها تبدیل شده بود؛ بنابراین اسقف بغوس (۱۱۶۰-۱۱۶۴ه.ق. / ۱۷۴۸-۱۷۵۲م). راهی نداشت جز رو کردن به آن‌ها و صدور کنداک خطاب به همه تجار معظم ارمنی به ویژه ساکنین هلند و سنت پترزبورگ جهت کنارگذاشتن صدی یک از درآمدشان به عنوان «سهم مسیح» جهت اهالی جلفا (ترهوهانیان، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۹). ظاهراً این توسل خیلی توأم با موفقیت نبود که اسقف بعدی گنورگ (۱۱۶۷-۱۱۸۱ه.ق. / ۱۷۵۴-۱۷۶۸م). راه بصره را در پیش گرفت و تنها پس از ده سال و مصادف با تثبیت قدرت کریم‌خان حاضر شد به حوزه اسقفی خویش بازگردد (همان: ۴۳۳).

کریم‌خان با صدور فرمانی خطاب به عمال حکومتی مسیر بندرعباس، فارس و اصفهان جهت عدم دریافت هرگونه مبلغ و به کارستن نهایت همکاری با اسقف گنورگ از همان

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

لحظه اول برگشت اسقف جدیت خود را برای تغییر شرایط اثبات کرد. با مشاهده منویات کریم‌خانی مردم جلفا نیز انگیزه گرفته، دست به تنظیم یک قرارداد درون اجتماعی زدند و طی آن متعهد شدند آبادانی جلفای نو را با اتکاء صرف بر جمعیت ارمنی محقق سازند (همان: ۲۳۴-۲۳۵)، کوتاه مدتی پس از این تعهد یک معافیت یک ساله مالیاتی (فرمان کریم‌خان، ۱۱۵۷ ه.ق.، شماره ۱۲۹) و بعدها فرمانی جهت فرارگرفتن مستقیم مالیات جلفا زیر نظر دیوان شیراز صادر گردید (فرمان کریم‌خان، ۱۱۶۶ ه.ق.، شماره ۱۲۷). در حالی که به نظر همه درگیر احیای جلفای نو بودند، بدون توجه به جمعیت ۱۶۶۷ نفری ارمنه (ترهوهانیان، ۱۳۷۹:۲۳۷) در مقابل جمعیت ۳۰ نفری کاتولیک‌ها (سالشمار کارملیت‌ها، جلد ۱، ۱۹۳۹:۶۲۲). مهم‌ترین دغدغه اسقف مبارزه با پیروان این مذهب و سرکوب آنان قرار گرفت. برخلاف رفتارهای کاتولیک نوازانه اسقف هنگام سکونت در بصره (همان، ۷۱۳)، گنورگ در اصفهان با متهم ساختن کاتولیک‌ها به توطئه چینی برای کوچ دادن جمعیت‌های ارمنی (همان) آن هم درست در میان برنامه‌های کریم‌خانی، اسقف کارملیت‌ها، جان دی برنادری را مجبور می‌کرد که مجوز مأموریت خود را ارائه دهد و یا مرتب به محضر وی رفته به تهدیدهای او در زمینه عواقب هرگونه تبلیغ کاتولیسیسم میان ارمنه و رفت و آمد حتی به منازل ارمنه کاتولیک گوش فرا دهد (همان).

جالب آن‌که عنایات کریم‌خانی در حق ارمنه که حتی تا سال‌های آخر حکومت وی پابرجا بود (ترهوهانیان، ۱۳۷۹:۴۸۳) بیشتر از آن‌که بتواند تأثیری بر احیای جلفای نو بگذارد موجب رونق و آبادانی اچمیادزین شد. کاتولیکوس پرانگیزه سیمون ایروانی (۱۱۷۶-۱۱۹۳ ه.ق. / ۱۷۶۳-۱۷۸۰ م.) هم از کاهش حملات جوانشیر به واسطه اقتدار کریم‌خانی نهایت بهره را برد و هم به پشتیبانی آن عنایات موقوفاتی را احیا نمود که چهارصد سال بی متولی افتاده بودند (بورنوتیان، ۱۹۹۲:۷۵-۷۴). همچنین کاتولیکوس نظارت اچمیادزین بر کلونی‌های صاحب ثروتی چون آستاراخان (گملین^۱، ۲۰۱۳: ۱۰۴، ۹۹؛ بورنوتیان، سند شماره ۲۹۶، ۲۰۰۱:۲۵۱) را بار دیگر برقرار ساخت و طرح‌های جامعی در حوزه ترجمه، تفسیر و چاپ جهت ساخت چاپ‌خانه، کاغذسازی و سازمان‌دهی بایگانی‌های کلیسا راه‌اندازی نمود (بورنوتیان، ۱۹۹۲:۷۵-۷۴).

1. Gmelin

(۷۴). در این بین مهم‌ترین دل‌خوری کاتولیکوس حضور زائد یک ارمنی از کلونی کلکته در قفقاز بود.

هوسپ امین اصالتاً همدانی که نوجوانی و جوانی خود را در کلکته طی کرده بود، حضور خود را در قفقاز به هیچ وجه زائد نمی‌دانست. او در آن کلونی از نزدیک نظم و سازمان انگلیسی‌ها را مشاهده کرد و همین امر او را مصمم ساخت که به انگلستان سفر کند (امین، ۱۹۱۸: ۱۰۳-۱۰۲) تا تحفه‌ای دیگر از دولت مطلقه یعنی روشن‌گری و هنر جنگ به میان هم‌کیشان خود ببرد (همان، ۱۱۲). هنر جنگ یکی از ممیزهای سه‌گانه دولت مطلقه از دولت سستی بود که به واسطه آن از مدت‌ها پیش حکام مطلقه دیگر به امید نیروهای مزدور به جنگ نمی‌رفتند، جنگ‌ها الزاماً برای تابستان طراحی نمی‌شدند، در ازای خدمات مالکیت ارضی و یا وعده غارت ارائه نمی‌شد و نتیجه نبرد در متفرق شدن یا انسجام سپاه تأثیری نداشت (گیدنز، ۱۹۸۵: ۱۰۷).

منسوخ شدن این خصایص سستی جنگ ناشی از تحولات عمده‌ای بود که در سه حوزه تسلیحات، سازمان‌دهی و کشتی‌رانی محقق شد (همان: ۱۰۸). به ویژه در دو حوزه نخست ظهور تسلیحات نوین جنگ تن به تن را تا حد زیادی منسوخ کرد (همان)، همچنین شیوه‌های پادگانی آموزش و به‌کارگیری نیروها را رواج داد (همان: ۱۱۳). هنر جنگ لویی شانزدهم را قادر می‌ساخت ارتشی به مراتب بزرگ‌تر از ارتش عصرطلایی امپراتوری روم داشته باشد (همان، ۱۱۰).

براساس طرح امین ملل مسیحی قفقاز باید بر مبنای روشن‌گری و هنر جنگ تحت امر اراکلی (۱۱۵۶-۱۲۱۲ ه.ق. / ۱۷۴۴-۱۷۹۸ م.)، پادشاه گرجستان گرد می‌آمدند. او در نامه‌ای که پیش از حرکت از انگلستان برای اراکلی ارسال داشت تفسیری از تاریخ در بستر خرد ارائه داد (امین، ۱۹۱۸: ۱۱۰) و ملت آلمان را بهترین الگوی ممکن برای جمعیت‌های مسیحی قفقاز معرفی کرد (همان: ۱۱۳). سهم عمده در این جنبش آزادی‌بخش سهم ارامنه قرار بود توسط قره‌باغی ادا شود که پرچمدار «عزت» این قوم دانسته می‌شد (بورنوتیان، سند شماره ۳۰۰، ۲۰۰۱: ۲۵۵-۲۵۴)، آزادی و استقلال داشت (امین، ۱۹۱۸: ۶۰) و استعداد مردمش در تیراندازی با سربازان انگلیسی برابری می‌کرد (همان: ۷۹). با پا گذاشتن به دربار اراکلی که تنها پس از سرگذراندن بدعهدی‌ها و بی‌مهری‌های بی‌شمار از سوی ارامنه مسکو (همان، ۱۹۲، ۱۸۷) و

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

آستاراخان (همان، ۱۸۷) و برخی مقامات روس (بورنوتیان، سند شماره ۲۶۸، ۲۰۰۱: ۲۲۹-۲۳۰) ممکن شد، امین خیلی زود اجزای نظم مورد نظر خود را برای پادشاه تشریح کرد. بر این اساس مدارس برای کودکان مسیحی قفقاز ایجاد می‌شد که تقریباً تمام روز کودکان در آنجا می‌گذشت، تا سن خاصی به آن‌ها تعلیمات دینی داده می‌شد و بعد نیز تعلیمات نظامی به آنان آغاز می‌گشت، همچنین مقرر بود دانش‌آموزان هر روز مخاطب موعظه‌های ملی و حماسی باشند. امین حتی برآوردهایی برای تأمین هزینه این مدارس با اتکاء به دریافت اعانه ناچیزی از والدین دانش‌آموزان داشت (امین، ۱۹۱۸: ۲۰۸). در نهایت نتیجه همه این برنامه‌ریزی‌ها و چشم‌اندازها اخراج امین از دربار اراکلی بود. این اخراج اساساً از هراسی برمی‌خاست که از محبوبیت امین نزد جمعیت قابل توجه ارمنی در گرجستان بر قلب شاه مستولی شده بود (ایبید، ۳۹۴). البته این هراس بیش از آن‌که وجود خارجی داشته باشد از سوی ارامنه دربار و کاتولیکوس سیمون ایروانی (همان، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱) تلقین شده بود. پس از این اخراج امین به قره‌باغ رفت. آنجا او ضمن اقامت میان ملیک‌ها به این واقیعت پی برد که با وجود حاصل آمدن ۱۱۰ پوند گندم از ۱ پوند بذر، دوبار وضع حمل احشام در سال و سالم ماندن غله به مدت ده سال در این سرزمین (همان، ۳۰۷)، ملیک‌ها نه تنها از هرگونه مداخله خان‌های مسلمان در منازعات فی‌مابین خود استقبال می‌کنند، بلکه حتی اسلحه مورد نیاز نیروی مسلح خود را از محل ارعاب و تهدید رعایا به شکنجه و از طریق اتکاء بر هزینه شخصی آن‌ها فراهم می‌آورند (همان، ۲۹۹، ۳۰۰).

تمرکز و تأکید امین بر هنر جنگ اغراق‌آمیز بود، دولت مطلقه تنها به این عامل محدود نمی‌شد، دولت‌های مطلقه همچنین دیپلماسی و نظام‌دانش داشتند و در کنار آن مجری و مصدر نظام‌های حقوقی، پولی و مالیاتی به حساب می‌آمدند که سرمایه‌داری اولیه بر مبنای آن استوار شده بود. نخست، در دولت مطلقه یک نظم متمرکز و تضمین شده حقوقی به وجود آمده بود که از دامنه رو به گسترش تعهدات و حقوق قراردادی حمایت و حفاظتی کرد (گیدنز، ۱۹۸۵: ۱۴۸)؛ دوم، این نوع دولت موجب رواج پول کالایی شد که بخشی از ارزش آن ناشی از فلز بود و بخشی دیگر ناشی از مجوز دولتی، امری مشخصاً متناسب با ماهیت اقتصاد مبتنی بر ارزش مبادله و نظارت دولتی رو به افزایش (همان، ۱۵۵-۱۵۴)؛ سوم، در دولت مطلقه مالیات برای نخستین بار به عنوان یک مسأله «مالی» شناخته شد به معنای وجود یک حوزه

عمومی اعتبارات و هزینه‌ها که دارای نظم اقتصادی مختص به خود است. چنان پول، مالیات هم بوسیله‌ای برای نظارت تبدیل شد، به نحوی که تقریباً همه سیاست‌های مالیاتی با نظر به رصد و سازمان‌دهی فعالیت‌ها و جمعیت‌ها تنظیم می‌شدند (همان، ۱۵۷).

ایرانیان ارمنی معاصر هوسپ امین داشتند، هزینه همین تحولات را می‌پرداختند. دستگاه دیپلماسی روسیه در طول اغتشاش‌های ناشی از مرگ نادر مترصد فرصت برای نابود ساختن کشتی‌ها و کارگاه‌های کشتی‌سازی جان‌التون در لنگرود بود (مسلمانان قبادیانی، ش ۶۸: ۳۲۶-۳۲۸). برای سنجش ظرفیت‌های «همگون سازی اقتصادی» سرزمین‌های جنوبی با روسیه و به دست آوردن یک شناسایی سیاسی جامع (سرزمین‌ها، حکام، اتحادها، دشمنی‌ها و...) جهت «تقویت موضع روسیه» در منطقه، آکادمی علوم روسیه اقدام به تشکیل و اعزام تیم‌های اکتشافی از میان دانش‌آموختگان کشورهای آلمانی زبان می‌نمود؛ مأموریت‌های یوهان آنتون گلدنشتات^۱ و ساموئل گوتلیپ گملین^۲ دقیقاً در همین چهارچوب سازمان داده شده بودند (پولاک، ۲۰۰۶: ۳۱). با این تفصیل عجیب نبود جایگاه آرامنه، که سابقاً می‌توانستند از قوت خود در واسطه‌گی و دیپلماسی بهره‌های هنگفت ببرند، به کارمندان صرف دستگاه‌های دیپلماتیک دولت‌های مطلقه تنزل یابد، چنان‌که در مورد موسس باغرامیان، سفیر کمپانی هند شرقی انگلیس به دربار کریم‌خان (امین، ۱۹۱۷: ۴۷۲) و یا خوجه پتروس و سکان، سفیر انگلیس‌ها برای مذاکره با پادشاهی ناگپور می‌توان مشاهده کرد (سث، ۱۹۳۷: ۵۸۱-۵۸۰). از خلال پیوند دولت مطلقه و سرمایه‌داری اولیه (ظهور اقتصاد سیاسی) عین همین سرنوشت دیپلماتیک در حوزه کارگزاری نیز برای آرامنه رقم خورد. نظام اطلاعات تجاری آرامنه که زمانی اهمیت جهانی داشت چنان کوچک و پیش‌پا افتاده شد که تنها در حوزه خبرگیری از سرنوشت مال‌التجاره‌های آرامنه در حوزه قفقاز و ایران ظرفیتی برایش باقی مانده بود (بورنوتیان، سند شماره ۲۵۹، ۲۰۰۱: ۲۵۴-۳۵۳)، شمار زیادی از کارگذاران سابقاً مستقل ارمنی ناگزیر از کارمندی برای کمپانی‌های تجاری غربی از جمله کمپانی هندشرقی انگلستان بودند (امین، ۱۹۱۸: ۴۲۴-۴۲۶، ۴۴۹-۴۵۰) و در نهایت بسیاری از جابه‌جایی‌های پول نقد توسط آرامنه در

1. Johann Anton Giildenstadt

2. Samuel Gottlieb Gmelin

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران
خاک روسیه می‌توانست از سوی دولت مطلقه قاجاق نام‌گذاری شده و مورد پیگرد قرار گیرد
(بورنوتیان، سند شماره ۲۲۵، ۲۰۰۱:۱۸۹).

شناسایی ناقص گستره و خصایص دولت مطلقه در کنار تکمیل حرکت روسیه برای تبدیل
به چنین نوعی از دولت در دوران سلطنت کاترین دوم (۱۱۷۵-۱۲۱۰ ه.ق./۱۷۶۲-۱۷۹۶م.)
دلیل اصلی ناکامی‌های امین جهت تحقق نظم مطلقه در دربار گرجستان و تأثیرگذاری انفرادی
بر سیاست خارجه دولت روسیه در قبال قفقاز بودند. صدور فرمان‌های متعدد از سوی کاترین
در زمینه سازماندهی تجارت آزاد (آتکین، ۱۳۸۲:۳۴)، آزادی‌های مذهبی و حقوقی (بورنوتیان،
سند شماره ۲۷۴، ۲۰۰۱:۲۹۲، ۲۷۴) و نیت مستتر او برای همگون‌سازی همه اقوام و نژادهای
غیرروسی با روس‌ها (همان، سند شماره ۲۸۳، ۲۳۹-۲۴۰، ۲۸۳) همه شواهدی در تأیید تصور
دولت مطلقه‌ی او از توان خود برای نظارت و تغییر بودند.

با وجود همه توان دولت مطلقه، خبر بد برای ارامنه‌ای که کلید تغییر سرنوشت قفقاز را در
دستان کاترین می‌دیدند این بود که در حال حاضر ملکه هیچ تصمیمی برای اقدام در حوزه
قفقاز ندارد. دست‌آورد مهم ژنرال توتلین در زمینه تصرف کوتائیس، پایتخت ایمرتی در
گرجستان غربی، و محاصره پوتی برای ملکه هیچ اهمیتی نداشت و با دستور عقب‌نشینی مورد
استقبال قرار گرفت (بدلی^۱، ۱۹۰۸:۲۰، ۳۶). سه سال بعد کاترین نسبت به پیروزی‌های ژنرال
فون میدم نیز عیناً با همان بی‌تفاوتی واکنش نشان داد و اعتقاد داشت عقب‌نشینی ژنرال از قفقاز
«حداقل حماقت از حماقت‌های آن عالی‌جناب خواهد بود». از نظر کاترین در بند، بویناک، ترقو
و بیشتر داغستان سرزمین‌هایی بود که «همیشه به ایران تعلق» داشته‌اند و از لحاظ منافع روسیه
تداوم همین وضعیت زار و نزاری که ایران تحت حاکمیت کریم‌خان داشت بهترین شرایط
ممکن بود، چرا که نیاز به هر گونه سرمایه‌گذاری برای تضعیف ایران را غیرضروری ساخت
(پولاک، ۲۰۰۶:۲۰۹). سیاست خارجی روسیه در این زمان مبتنی بر «نظام شمالی» کنت پائین
بود. بر این اساس سنت پترزبورگ وظیفه اصلی خود را مداخله در روابط دولت‌های آلمانی
زبان با فرانسه و نظارت بر سوئد و انگلستان می‌دانست. اما این مسیر به ناگهان و تاحدی نیز
معجزه‌وار تغییر کرد.

1. Baddeley

بنیان معجزه یادشده در سیاست خارجه روسیه به قدرت رسیدن گریگوری پوتمکین (۱۱۵۱-۱۲۰۵ ه.ق. / ۱۷۳۹-۱۷۹۱ م.) بود. روس‌ها ناگهان در قالب «طرح یونانی» تصمیم گرفتند بهره‌برداری هرچه بیشتر از ضعف روزافزون امپراتوری عثمانی را موضوع اصلی سیاست خارجه خود قرار دهند. در این راستا اقدامات جامعی در زمینه‌های دیپلماتیک، نظامی و مالی از سال‌های میانی دهه ۱۷۷۰ درپیش گرفته شد. پوتمکین که در متن «طرح یونانی» برنامه مستقلی جهت روسی‌سازی تمام سواحل دریای خزر و دریای سیاه با عنوان «مرزهای ممتد» برای خود تعریف کرده بود، شروع کرد به انتصاب مهره‌های خود در موقعیت‌های حاکمیتی لازم (همان، ۲۰۱)؛ بودجه‌ای ۵۰ هزار روبلی برای کوچاندن ۲۰ هزار جمعیت مسیحی از کریمه در نظر گرفت در حالی که اسقف ارامنه روسیه هوسپ آرغوتینسکی (۱۱۸۶-۱۲۱۴ ه.ق. / ۱۷۷۳-۱۸۰۰ م.) به عنوان ناظر طرح گماشته شده بود (بورنوتیان، سند شماره ۳۰۱، ۲۰۰۱: ۲۵۶، ۲۵۵)؛ دفتر امور خارجه را از کنت پانین و نیروهای او تخلیه کرده به جوانی ۲۷ ساله به نام یزبورودکو (ح. ۱۱۵۹-۱۲۱۳ ه.ق. / ۱۷۴۷-۱۷۹۹ م.) واگذار نمود که امین پوتمکین در سیاست خارجی به حساب می‌آمد (پولاک، ۲۰۰۶: ۲۳۹)، در نهایت هم ایجاد یک خط دفاعی در شمال قفقاز از استاوروپول تا دربند در دستور کار سنت پترزبورگ قرار گرفت که ساخت و استقرار زنجیره دژهای آن برعهده ژنرال‌ها یاکوبی و سووروف گذاشته شد (بدلی، ۱۹۰۸: ۳۹-۴۰).

دولت روسیه که زمانی برای طرح‌های قفقازی ارامنه‌ای چون مؤسس سارافوف گوش شنوایی نداشت (بورنوتیان، سند شماره ۲۸۹، ۲۰۰۱: ۲۴۵)، حال به دنبال زمینه مشترک برای مفاهمه با کلونی‌های ارمنی روسیه می‌گشت و خیلی زود آن را در قالب مفهوم روشنگری یافت. از یک‌سو روشن‌گری شعار سلطنت کاترین دوم بود و از این رو به منطق روس‌ها در برنامه‌های توسعه‌طلبانه‌شان، به ویژه در قبال قبایل شمال قفقاز، تبدیل شده بود (خودارکفسکی^۱، ۱۹۹۹: ۴۱۶-۴۱۴). از سوی دیگر در کلونی‌های ارمنی نیز اعتقاد بر این بود که راه نجات ارامنه قفقاز کنار گذاشتن «تبختر، کله‌شقی و خرافات» یادگرفتن «تاریخ، جغرافیا و علوم» و دریافت موعظه مدام روحانیون درباره «مفهوم آزادی» است (بورنوتیان، سند شماره

1. Khodarkovsky

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... _____ سید علی مزینانی و همکاران

۳۰۰، ۲۰۰۱:۲۵۴-۲۵۵، ۳۰۰. هوانس لازاریان (جوهرشناس ارشد ملکه)، که هنگام تلاش‌های سیاسی هوسپ امین در سنت پترزبورگ حداکثر او را در ملاقات با مقامات ارشد روس همراهی می‌کرد (امین، ۱۸۷:۱۹۱۸)، این بار به محض مواجهه با فراخوان دولت روسیه در جایگاه تحلیلگر مسائل قفقاز قرار گرفت. او تأکید کرد در صورت اعزام دو تا سه هزار نیروی روس همکاری قره‌باغی‌ها قطعی و بهترین ضمانت تداوم همکاری ایشان نیز آموختن هنر جنگ به آن‌هاست (بورنوتیان، سند شماره ۳۰۶، ۲۰۰۱: ۲۶۲). از سوی دیگر هوسپ آرخوتینسکی بیشتر بعد تبلیغاتی کار را به دوش گرفته، وظیفه خود را با انتشار اعلامیه‌ها و موعظه‌های آتشین در مورد «نهرهای خون» که مسلمانان به راه انداخته بودند به نحو احسن به انجام می‌رساند (پولاک، ۲۰۰۶: ۲۲۰)

نتیجه نخستین گام عملی پوتمکین در اجرای سیاست «مرزهای متمد» نامیدکننده از آب درآمد. سفر اکتشافی سال ۱۷۸۱م. کنت وینویچ با دستگیری همه اعضا توسط آقا محمدخان قاجار (۱۱۹۲-۱۲۱۱ه.ق. / ۱۷۷۹-۱۷۹۷م.) به اتمام رسید. این رخ داد کمترین تأثیری بر انگیزه شاهزاده پوتمکین نداشت، چنان که او حتی گامی پیشتر گذاشته و از «برنامه عملیاتی» خود پرده‌برداری کرد. بر این اساس باید یک حمله به کریمه در نظر گرفته می‌شد و یک حمله به دربند، جمعیت‌های مسیحی قفقاز تحت‌الحمایه روسیه قرار می‌گرفتند و خان دردرساز کریمه (شاهین‌گیرای) بر تخت پادشاهی ایران نشانده می‌شد. ژنرال تأکید کرده بود که این «طرح عملیاتی»، «مستقل از تقابل با ترک‌ها» پیگیری خواهد شد؛ به این معنی که حضور و انتشار قدرت روسیه در قفقاز دیگر تابعی از خصمانه یا دوستانه‌بودن روابط روسیه و عثمانی نبود (همان، ۱۹۹-۲۰۰). «طرح عملیاتی» ثابت می‌کرد که سیاست «مرزهای متمد» از خود «طرح یونانی» جلو زده است. در سال ۱۷۸۳م. روس‌ها قرارداد گیورگیوسک را با اراکلی پادشاه گرجستان به امضا رساندند. در نهایت در همان سال بزبورودکو، وزیر امور خارجه روسیه، در تأیید جایگاه ازلی-ابدی «طرح یونانی» در سیاست خارجه روسیه به طور رسمی اعلام کرد مهم‌تر پنداشتن مداخله در سرزمین‌های آلمانی نسبت به مداخله در سرزمین‌های قفقازی «چرند سیاسی» است (همان، ۲۷۵).

تحولات جدید در سیاست روسیه نسبت به قفقاز خیلی زود انگیزه‌ای جهت بازگشت امین از هندوستان به سمت قفقاز شد. این بار آگاهی یافتن از تدارک مفصلی که کاتولیکوس سیمون

ایروانی در صورت ورود امین به قفقاز آماده کرده بود (امین، ۱۹۱۸: ۴۵۷-۴۵۶)، موجب شد وی در اصفهان تحت حاکمیت علی‌مرادخان زند مستقر شود. در اصفهان تغییرات خاصی به چشم نمی‌خورد، جلفایی‌ها مجبور بودند دختران خود را از دست نیروهای تحت امر علی‌مرادخان به ویژه دسته‌های گرجی، بسیار زود شوهر دهند و یا کاه جوشیده بر صورت آن‌ها بپاشند (ترهوهانیان، ۱۳۷۹؛ ۲۴۷-۲۴۸). اسقف هاگوب (۱۲۰۲-۱۲۰۵ م. ۱۷۸۸-۱۷۹۱ م.) هم که در مقابل سخت‌ترین شکنجه‌ها حاضر نمی‌شد جایگاه اشیای گران بهای کلیسای وانک را افشا کند (همان ۴۳۷)، در مقابل خبر توجه علی‌مرادخان به هوسپ امین و احتمال انتصاب او به مقام کلانتری جلفا خیلی زود به واسطه‌گی متوسل شد و با پرداخت چهل تومان رشوه به محمدحسین‌خان، حاکم اصفهان، سعی می‌کرد جلوی این شایعه را بگیرد (امین، ۱۹۱۸: ۴۶۲).

در میان این جنگ بی‌پایان سستی برای توفیق سیاسی، اراده علی‌مرادخان جهت مذاکره با روسیه دقیقاً قدرتی را وارد میدان می‌کرد که ماهیت و ذاتش برای اغلب شرکت‌کنندگان ناشناخته بود.

۴. نتیجه‌گیری

لحاظ کردن خصایص نهاد سیاست در نظام اجتماعی ایرانیان ارمنی و نظامات سرمایه‌داری اولیه و دولت مطلقه توانست نگاه متفاوتی به مسأله سیاست‌ورزی این مردم در برهه زمانی پیش‌گفته را ممکن سازد. ارامنه که سیاست خود را با اتکاء بر منابع اقتداری و تخصیصی خاصی پیش می‌بردند با شرایطی مواجه شدند که زمینه لازم برای آن منابع در ایران به تدریج رنگ می‌باخت در حالی که در روسیه و دیگر سرزمین‌هایی که تجربه حاکمیت دولت مطلقه را داشتند (انگلستان، فرانسه، سوئد و...) دقیقاً زمینه لازم در حال تثبیت بود. برخورد پتر اول با عرایض ملیک‌های قره‌باغ به خوبی نشان می‌داد که با مالکیت ارضی، نیروی مسلح، دژنشینی و خویشاوندی نمی‌توان امید چندانی برای یافتن گوش شنوا در سنت پترزبورگ داشت. کمی بعدتر تصمیمات ملکه آنا ایوانوونا روشن کرد که در زمینه واسطه‌گی و دیپلماسی نیز این دولت مطلقه است که قواعد بازی را تعیین می‌کند. ایران عصر نادری هر چند وعده‌ای بود برای احیای زمینه‌هایی که پیشتر در زمینه ترجمه، تفسیر و چاپ، واسطه‌گی و دیپلماسی،

سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران

کارگزاری، تجارت و پول برای ارمنه مهیا بود، اما بی‌ثباتی‌ها خیلی زود واهی بودن امیدهای اولیه را روشن کرد و این در حالی اتفاق می‌افتاد که در کلونی‌های تحت سیطره دولت‌های مطلقه در همه این زمینه‌های شرایط بهتری برای فعالیت وجود داشت. کریم‌خان نیز هر چند با صداقت تمام در پی فراهم آوردن زمینه‌هایی برای فعالیت دوباره ارمنه بود، اما وضعیت جلفا به حدی بد شده بود که جمعیت خود به یک منبع اقتداری تبدیل گردیده و رقابت‌هایی که زمانی بر قیمت‌های جهانی کالاها تأثیر می‌گذاشت به رقابت بر سر حفظ یک نفر ارمنی بیشتر در جلفا تبدیل شده بود. ناکامی سیاست‌های کریم‌خانی البته نشان از این واقعیت داشت که ارمنه دیگر متوجه شکاف فزاینده میان ایران و دیگر سرزمین‌ها تحت حاکمیت دولت مطلقه شده بودند، حتی اگر هم نمی‌توانستند آن را به صورت گفتمانی بیان کنند، ارمنه‌ای چون هوسپ امین از این دسته افراد بودند. او به درستی درک کرده بود که دولت مطلقه از خلال هنر جنگ منبع تخصیصی چون نیروی مسلح را نیز به انحصار خود درآورده و برای نظامی‌گری راهی جز پذیرش اصول مورد قبول دولت مطلقه وجود ندارد، اما اشتباهش تأکید افراطی بر اهمیت هنر جنگ بود. نظامات حقوقی، پولی و مالیاتی که دولت مطلقه خلق کرده و تکیه‌گاه‌های سرمایه‌داری اولیه را شکل می‌دادند خیلی زود روشن کرد که در زمینه تجارت، پول، کارگزاری و کلونی هم تنها قواعد مسلط آن مواردی هستند که نظام دولت‌های مطلقه تأیید می‌کند؛ بنابراین راهی جز وانهادن مسیرهای قدیمی و پذیرش اسلوب‌های جدید باقی نبود. به این ترتیب وقتی همنشینی دولت مطلقه و سرمایه‌داری اولیه خود را به عنوان تنها مرجع ترجمه، تفسیر و چاپ، واسطه‌گی و دیپلماسی، نیروی مسلح، کارگزاری، کلونی، پول و تجارت در اقصی نقاط عالم منتشر می‌کرد بروز مسیرهای جدید در سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی موضوع چندان عجیبی به نظر نمی‌رسید؛ تحولی که بخش عمده‌ای از آن در همین هفت دهه حکومت سلسله‌های افشاریه و زندیه واقع شد.

۵. منابع

- اسناد.
- عریضه رعایای جلفا (ذی‌حجه، ۱۱۴۵، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۱۱).

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

- عریضه رعایای جولاهه (ربیع‌الاول، ۱۱۵۴)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۱۹.
- عریضه جماعت تجار جولاهه (شوال، ۱۱۵۲)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۱۳.
- عریضه خلیفه‌های و کشیش‌های جولاهه قدیم و جدید (محرم، ۱۱۴۷)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۰۳.
- عریضه مگردیچ خلیفه جولاهه (رجب، ۱۱۶۶)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۲۶.
- عریضه رعایای جولاهه (ربیع‌الاول، ۱۱۵۴)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۱۹.
- عریضه رعایای جولاهه (ربیع‌الاول، ۱۱۵۴)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۱۰.
- عریضه ارامنه جولاهه قدیم و جدید (ربیع‌الاول، ۱۱۵۴)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۱۶.
- فرمان اشرف افغان (رمضان، ۱۱۳۹)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۰۲.
- فرمان کریم‌خان (رمضان، ۱۱۷۵)، آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۲۹.
- فرمان کریم‌خان (ربیع‌الاول، ۱۱۶۶). آرشیو کلیسای وانک اصفهان، شماره ثبت ۱۲۷.

کتاب‌ها

- جوانشیر قره‌باغی، میرزا جمال (۱۳۸۴). *تاریخ قره‌باغ*، تصحیح حسین احمدی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ترهوهانیان، هوهانس (۱۳۷۹). *تاریخ جلفای نو*، لئون میناسیان و محمدعلیموسوی‌فریدنی، اصفهان: نقش خورشید.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). *مسائل محوری در نظریه اجتماعی*، ترجمه محمد سعیدی، تهران، سعاد
- کسل، فیلیپ (۱۳۹۲). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه محسن چاوشی، تهران: ققنوس.

- سیاست‌ورزی ایرانیان ارمنی در دوره‌های افشاریه و زندیه... ————— سید علی مزینانی و همکاران
- مسلمانان قبادیانی، رحیم و بهروز مسلمانان قبادیانی (۱۳۸۷). *اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجار*، تهران: وزارت امور خارجه.
 - آتکین، موریل (۱۳۸۲)، *تاریخ روابط ایران و روس*، ترجمه محسن خادم، تهران: نشر دانشگاهی.
 - لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳). *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 - Chick, H. (1939). *A Chronicle of the Carmelites in Persia: The Safavids and the Papal Mission of the 17th and 18th Centuries*. London: Eyre & Spottiswoode.
 - Abraham of Crete (1998). *Chronicle of Abraham of Crete*, George A. Bournoutian, Costa Mesa: Mazda Publishers.
 - Bounoutian, George A. (2001). *Armenians and Russia (1626-1796) A Documentary Record*, Costa Mesa: Mazda Publishers.
 - Jarry, David and John Urry (Eds) (1991). *Giddens' theory of structuration: A Critical Appreciation*, Routledge, London.
 - Emin, Joseph (1918). *Life and Adventures of Emin Joseph Emin 1726-1809 Written by himself*, Calcutta: The Baptist Mission Press.
 - Gmelin, Samuel Gottlieb (2013). *Astrakhan Anno 1770, Its History, Geography, Population, Trade, Flora, Fauna and Fishers*, Translated and Annotated by Willem Floor, Washington DC.: Mage Publishers.
 - Baddeley, John F. (1908). *The Russian conquest of the Caucasus*, London, New York, Bombay, Calcutta: Longmans, Green and Co.
 - Bournoutian, George A. (1992). *The Khanate of Erevan under Qajar rule, 1795-1828*, Costa Mesa: Mazda Publishers.
 - Giddens, Anthony (1985). *The Nation-State and Violence*, Cambridge: Polity Press.
 - _____, (1984). *The Constitution of Society*, Cambridge, Polity Press.
 - _____, (1984). *The Nation-State and Violence*, Cambridge, Polity Press.
 - Khodarkovsky, Michael (1999). "Of Christianity, and Colonialism: Russian in the North Caucasus, 1550-1880", *The Journal of Modern History*, Vol. 71, No. 2.

- Pollock, Sean (2006). *“Empire by Invitation? Russian Empire-Building in the Caucasus in the Reign of Catherine II”*, Ph.D. Diss., Harvard University.
- Seth, Merovb Jacob (1937). *The Armenian of India*, Calcutta: the Author.